

باغ ایرانی تمثیلی از بهشت با تاکید بر ارزش های باغ ایرانی دوران صفوی

دکتر مجتبی انصاری*^۱، مهندس هادی محمودی نژاد^۲

۱ استاد یار گروه معماری، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
۲ دانشجوی کارشناسی ارشد شهرسازی، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
(تاریخ دریافت مقاله: ۸۵/۹/۱۸، تاریخ پذیرش نهایی: ۸۵/۱۱/۷)

چکیده:

در انطباق با توصیف بهشت در قرآن کریم که آیاتی از جمال و جلال خداوندی است، معماران مسلمان با عنایت به این توصیف ها به ساخت باغ هایی در این جهان فناپذیر، پرداخته اند تا جلوه ای از فناپذیری و جاودانگی جهان ابدی و باغ های بهشتی باشد. این مفهوم و تجلی آن در باغ و پردیس سازی ایران، در آرای جهانگردان خارجی و مورخان ایرانی، خاصه در دوران صفوی، بازتاب هایی ویژه داشته است که می تواند نشان از همت والای معماران ایرانی در بازسازی تمثیلی باغ ایرانی از بهشت باشد که در این مقاله در روش مطالعات کتابخانه ای، و با رجوع به اسناد و مدارک مربوط، مورد بازبینی قرار گرفته است. نتایج این تحقیق نشان می دهد که در ادوار مختلف تاریخ، این گرایش وجود داشته است تا باغ هایی احداث شود که با تعبیری که از بهشت آخرت مطرح می شده، برابری کند که این تعبیر می تواند بر چندین هدف استوار باشد که در این نوشتار به آنها اشاره شده است. بر این اساس، در این مقاله تلاش می شود تا در رویکردی توصیفی، امکان بررسی و ارزیابی تمثیلی بودن مفهوم باغ ایرانی از بهشت فراهم شود.

واژه های کلیدی:

باغ ایرانی، بهشت، دوران صفوی، مورخان داخلی و جهانگردان خارجی.

این کاخ دارد:

پی نقش و نگار آن ستوده

ز چشم حور آوردند دوده

بود طالارش از طوبی بسامان

گل او شد خمیر از آب حیوان

(بهشتیان، ۱۳۴۳، ۱۴۱، ۱۴۴).

۳-۲ دیدگاه جهانگردان درباره باغ‌های ایرانی:

- گفته‌های جهانگردان از "باغ‌های ایران" و مقایسه آن با "بهشت" را می‌توان به پنج دسته تقسیم کرد:
- الف- نقل دیدگاه ایرانیان در تمثیل "باغ" به "بهشت" موعود.
- ب- توجیه مادی این دیدگاه با استناد به "گرمای سوزان" و خشکی بیان‌های لم یزرع ایران.
- ج- توصیف جاذبه‌های مسحورکننده مناظر طبیعی بدون ذکر دلایل و جزئیات.
- د- وفور امکانات تفریح خوشگذرانی و رفاه در دربار صفوی.
- ه- حضور مجموعه "عناصر باغ‌های ایرانی" -کوشک‌ها، درختان سبز، آب جاری، حوض‌ها، فواره‌ها و گیاهان - که تصویری بهشت‌گونه‌ارایه می‌کند.

۳-۱- توماس هربرت:

"هربرت" که در دوره صفوی به دربار شاه عباس راه می‌یابد، توصیفات دقیقی از شهرهای ایران و باغ‌های آن ارائه می‌کند، چنانچه در هنگام وداع با شیراز شعری دارد که نشان از تاثیر شدید مناظر مسحورکننده این شهر و "تمثیل آن به بهشت" دارد: "چرا باید بر سر آنکه بهشت در کجا قرار داشت به کشاکش برخیزیم؟... چشم انداز بی‌همتای تو، ... بیننده‌را بدین گمان خواهد انداخت که گویا، بهشت از میان نرفت... بدرد ای دیار دل‌انگیز! چون آنگاه که روی از تو می‌گردانیدم، یاد راندن "آدم از بهشت" در دلم گذشت" (آربری، ۱۳۴۶، ۲۱-۲۲ و ۳۴). علاوه بر این در توصیف دورنمای اصفهان آورده است: "اندک مسافتی به شهر اصفهان مانده، این باغها در نظر مسافر بیشه عظیمی جلوه می‌کند، چندان بزرگ، خوشبو و سبز که گویی اینجا را "بهشت ثانی" خواندن اغراق نیست" (هنرفر، ۱۳۵۴، ۷۹). بایستی به این نکته اشاره کرد که "بهشت ثانی" همان کلمه ترکیبی "ثانی خلد" است که در شعر "کمال الدین اسماعیل" در همان دوران آمده است و این امر نمایانگر آن است که هربرت نیز، ایده طراحی رایج آن دوران را "چهار باغ" می‌داند. همچنین می‌توان به "جملی کاری" (۱۱۰۵ ق. / ۱۶۹۴ م.) اشاره کرد که دورنمای اصفهان را مشابه "جنگل" دانسته است (کاری، ۱۳۴۸، ۶۰) که یادآور تصویری است که "بیشه متبرک خومبابا" - پادشاه عیلام -، "توصیف

بساتین بهشت آیین و ریاض قدس مزین به لاله‌های زرنگار و گلستان انس"، به احداث تمثیلی باغ از بهشت "چهار باغ بهشت آیین" اشاره می‌کند که نشانگر توجه طراحان باغ در آن دوره تاریخی به معنای تمثیلی از بهشت بوده است.

زین باغچه بهشت پرتو

انگیخته هر زمان گل نو

۳-۲- تاریخ عباسی:

این کتاب که به وسیله "ملا جلال"، منجم باشی شاه عباس نوشته شده است، به طرح احداث "باغ عباس آباد" - هزار جریب- می‌پردازد و نهر احداث شده برای باغ را به "آب کوثر" و "باغ هزار جریب" را به "بهشت" تشبیه کرده است (منجم، ۱۳۶۶، ۱۶۲): "... و در سال یک هزار و شش نهری عظیم از زاینده رود جدا ساختند و بباغ عباس آباد آوردند و از آنجا بکل باغها جاری ساختند تاریخی بجهت این گفته شده بود، نوشته شد قطعه: دوش عقلم گفت آب کوثری در بهشتی از شبی آمد پدید".

۴-۲- دیوان‌واله اصفهانی:

"واله اصفهانی" در دربار پادشاه مغول هندوستان به سر می‌برده است و اشعار بسیاری در مقایسه "باغ‌ها" و شهر دکن هندوستان با "بهشت" و اجزا و صفات نظیر آن دارد. هر چند این اشعار درباره باغ‌ها و شهرهای هندوستان سراییده شده است، (واله اصفهانی، ۱۳۷۱، ۴۷۶-۴۷۷) ولی نشانگر آن است که در ادب فارسی آن زمان "تمثیل باغ به بهشت" امری بسیار رایج و متداول بوده است. آشکار اندر جهان ای آنکه گویی کو بهشت حیدر آباد آشکار است این بهشت آشکار

۴-۵- روزنامه میرزا محمود کلانتر فارس:

کلانتر (۱۱۳۲-۱۲۰۰ ق.) در روزنامه اش به این نکته اشاره می‌کند که: " (در اواخر دوره صفویه و اوایل افشاریه) در اثر کثرت باران باغات دیوانی مثل فردوس و خلد برین و باغات مشهوره بهشت... بود" (کلانتر، ۱۳۶۲، ۹ و ۱۰).

۴-۶- میرزا طاهر نصر آبادی:

نصر آبادی در رابطه با تاریخ اتمام بنای کاخ هشت بهشت با به کار بردن ترکیب وصفی "قطع خلد برین" بر تشبیه این کاخ با بهشت که در نام آن نیز مستتر است، (رفیعی مهر آبادی، ۱۳۵۲، پاورقی ۳۲۷)

چنین اشاره می‌کند:

ز فیض شاه دیگر گوهری سفت

بدیهه قطع خلد برین گفت (۱۰۸۰)

وی همچنین در دو بیت دیگر معانی تمثیلی دیگری در توصیف

قاجار قسمت های زیادی از جنگل های ایران نابود شده است.^۷ از آنجا که این مقاله قصد ندارد که به رد و ارجاع این دلایل بپردازد، تنها به این نکته بسنده می کند که در اکثر سفرنامه های دوران صفوی که مورد مطالعه قرار گرفت، چنین برداشتی دیده نشد و در ضمن بدیهی است که تنها با معیارهای امروزی نمی توان به تبیین دیدگاه های گذشته رفت، در حالی که ویلبر این دیدگاه را به تمام دوران تاریخی بعد از اسلام تعمیم می دهد (ویلبر، ۱۳۴۸، ۱۹)، چنانچه می آورد: "از هنگام غلبه اعراب تاکنون ایران در نظر مردم آن بهشت موعود بوده است، علت به وجود آمدن این عقیده در بین آنها خشکی و بی درختی فلات ایران است". جالب این است که ویلبر علیرغم ادعای مذکور معترف به مبنای "اعتقادی ایرانیان" و تصور آنها از "بهشت" است: "تصور بهشت موعود در مخیله ایرانیان تصویری است از زیباترین و دلپذیرترین باغها ایرانیان نام "بهشت" را بر "باغها" اطلاق می کنند، کلمه دیگری برای بهشت فردوس است که مفهوم باغ و بهشت، هر دو را دارد".

۳-۵- هرمان نوردن^۸:

"نوردن" در نخستین سال های حکومت رضاخان به ایران آمده است و صرفاً به شیفتگی ایرانیان به باغ ها و تصور آن به زیباترین باغ های جهان - و نه به بهشت - اشاره می کند (نوردن، ۱۳۵۶، ۱۱۳): "در کومیشاه^۹، توجه من معطوف به بوته های سبز و درختان و گل هایی بود که از زیر خاک زرخیز سیاه سریدر آورده بودند. حالا می توانستم درک کنم که چرا ایرانیان تصور می کنند باغ های ایرانی زیباترین باغ های جهان هستند. هرکس در دشت ها و صحاری لم یزرع ایران بگذراند با دیدن باغ ها و باغچه های ایرانی شیفتگی خاصی نسبت به رویدنی ها پیدا می کند".

۳-۶- الکسیس سولتیکف:

این جهانگرد در دوران محمد شاه قاجار به ایران آمده است و از ابهام جذابی که ایران و دیدنی های آن برای وی داشته است، دچار تردید شده است (سولتیکف، ۱۳۶۵، ۵۹): "پس از دریاچه سوان که دره دلجان در آنجا پایان می یابد، خشکی این خطه تقریباً غیر قابل تصور است. اما چرا اصرار داشتم که در ذهن خود ایران را "بهشت" روی زمین بدانم و حتی حالا که پرده دریده شده، چرا برای عجایب مخفی این سرزمین در تردید مانده ام".

۳-۷- س.ج.و بنجامین:

گفته های "بنجامین" درباره باغ ایرانی یادآور سخنان ویلبر با تعبیر ملایم تری است، چنانچه می گوید: "جهانگرد در حالیکه ساعتها در یک صحرای خشک و سوزان طی طریق کرده است ناگهان در مقابل خود وسط صحرا آبادی را می یابد، سبز و خرم و با هوای لطیف که رودخانه کوچکی با آب گوارا از میان آن

پاسارگاد" - توسط فیثاغورس (فیثاغورس، ۱۳۱۴) - و "بهشتهای شوش قبل از اسلام" و "شهر سبز" - اردوگاه تیمور در نزدیکی کش- آمده در "کتاب مقدس باب استر"، را به یاد می آورد.

۳-۲- انگلبرت کمپفر^۴:

"کمپفر" در دوره شاه سلیمان به ایران آمده است و ترکیب عناصر باغ های ایرانی را "تمثالی از بهشت نازل" دانسته است (کمپفر، ۱۳۶۳، ۱۹۵): "این باغها از نظر آنکه با عمارات و قصور کوچک دلربا باغچه های شکوفان، بوته ها و گلهای نادر دست چین و انواع و اقسام آبنگه ها و فواره ها آراسته شده است، حکم بهشت روی زمین را دارد". علاوه بر این کمپفردر توجیه کاخ و "باغ هشت بهشت" آورده است: "جلال و جبروت و زیبایی بی نظیری که این کاخ دارد باعث شده که به آن نام "هشت بهشت" بدهند و به همین علت تمام باغ نیز به همین نام شهرت یافته است" (کمپفر، ۱۳۶۳، ۲۱۳).

۳-۳- ژان شاردن^۵:

"شاردن"، تاجر و سیاح فرانسوی است که توصیفاتش از عمارت بهشت (کوشک هشت بهشت اصفهان) و تزیینات و اثاثیه های گران قیمت، نشانگر التفات او به تجملات و تزیینات و زندگی اشرافی می باشد. شاردن (شاردن، ۱۳۶۶، ۱۵۵) درباره نام عمارت "بهشت اصفهان" آورده است: "این تالار را عمارت بهشت می نامند زیرا عمارت بمعنی خانه تفریح و خوشی است و بهشت طبقه هم آسمان را گویند، از اینجهت می توان آن را "تالار فردوس" نامید".

۳-۴- دونالد ان. ویلبر^۶:

"دونالد ویلبر" در کتاب "باغهای ایران و کوشکهای آن"، علت وجودی "تمثیل باغ ایرانی از بهشت" را گرمای سوزان و بیابانهای لم یزرع می داند، چنانچه می آورد: "هنگام پیمودن جاده طویل بغداد- تهران در گرمای سوزان تابستان دانستم... قهوه خانه هایی... دارای حوض آب و... باغچه هایی معطر که نهر آبی در آن جریان داشت، بلافاصله تشبیه بهشت باغ به بهشت که ایرانیان مکرر به آن اشاره می کنند، در نظر من امری طبیعی جلوه نمود" (ویلبر، ۱۳۴۸، ۱۲). از آنجا که به زعم برخی از جهانگردان غربی در سده اخیر، خشکی و بی درختی فلات ایران یکی از دلایلی است که برای تشبیه باغ به بهشت توسط ایرانیان ارایه شده است، ذکر این نکته لازم به نظر می رسد که اکثر جهانگردان غربی در اقلیم های معتدل پرورش یافته اند و بدیهی است که در هنگام رویارویی با گرمی و خشکی فلات ایران چنین برداشتی داشته باشند. دلیل دیگر این امر را نیز می توان رواج اندیشه های مادی در غرب آن هم در سده اخیر دانست، گرچه در سده های قبل مناطق مختلف ایران از سرسبزی بیشتری برخوردار بوده است و به خصوص در دوره

"خاص" و اسامی "عام" اشاره کرد. در اکثر تفاسیر بهشتی از هفت یا هشت^{۱۱} بستان بهشتی نام برده شده است که عبارتند از: "جنت فردوس، جنت عدن، جنت نعیم، دار الخلد، جنت الماوی، دارالسلام و علیون (کاشانی، ۱۳۴۴، ۱۳۰)، که هرکدام مراتب و درجات متفاوت دارند که به مهم ترین آنها اشاره می شود:

۴-۲-۱- جنات الفردوس:

در قرآن کریم دو بار ترکیب لغوی فردوس و جنات الفردوس به کار رفته است^{۱۲}. روایت شده که رسول خدا (ص) فرموده اند: وقتی از خدا درخواست می کنید، فردوس را بخواهید که در وسط بهشت و بر نقطه بلند آن قرار دارد^{۱۳}. فوق آن عرش رحمان است و نهرهای "چهارگانه بهشت" از آنجا جاری می شود (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۳، ۶۷۶) و (الخرابی، ۱۳۷۶، ج ۱، ۱۶۸) و (الطبرسی، ۱۳۵۰، ج ۱۵، ۱۳۶). در حدیث دیگری از حضرت علی (ع) نقل شده است که: برای هر چیز اعلایی است و اعلای بهشت فردوس است (الحسینی، ۱۳۶۴، ج ۸، ۱۲۹). در اکثر تفاسیر در مآخذ کلمه فردوس اختلاف نظر وجود دارد و بعضاً آن را رومی، سریانی، نبطی و عربی دانسته اند. اصل این کلمه فارسی (پردیس) است و معرب "فردوس" - فردس و جمع آن را "فرادیس" می گویند و به معنی باغ و بستانی است که دارای انواع گوناگون میوه و خاصه، انگور باشد. همچنین فردوس مکانی در بهشت است که وسعت آن مافوق تصور باشد (نجفی، ۱۳۶۲-۶۴، ج ۱۳، ۲۷۷). این تعبیر با باغ ایرانی و عناصر آن مانند کوشک و فراز و فرود باغ ایرانی هماهنگی کامل دارد.

۴-۲-۲- ارم:

در آیه ۷ و ۸ سوره والفجر آمده است که: (ارم ذات العماد) - (التي لم يخلق مثلها في البلاد = آنی که همتایش در شهرها آفریده نشد) و علاوه بر این در تفاسیر داستان "بهشت ارم" را که یکی از افسانه های معروف قدیمی عرب است، روایت کرده اند (الطبرسی، ۱۳۵۰، ج ۲۷، ۶۹) و (بروجردی، ۱۳۴۱، ج ۷، ۴۰۴) و در تاریخ مازندران نیز در این رابطه آمده است که: ... برخی بر آنند که ارم، "باغ شداد" است که چون هود پیغمبر توصیف بهشت الله تعالی کرد، وی در عوض بساخت. بنابراین که شداد از احفا ارم است این باغ را اضافه بدو کرده، ارم می گویند (گیلانی، ۱۳۵۲، ۳۵).

۴-۲-۳- دار السلام:

در قرآن کریم این نام دو بار تکرار شده که عمدتاً دو معنا برای آن ذکر شده است: ۱- سلام نام خداست و "دارالسلام" به معنی خانه یا سرای خدا بهشت است، عند ربهم^{۱۴}. ۲- سلام از نظر لغوی یعنی دور بودن از آفات ظاهری و باطنی و دارالسلام به معنای محلی است که در آن هیچ آفتی از قبیل مرگ، مرض، فقر، غم و اندوه ساکنان را تهدید نکند.

می گذرد و مانند آنست که ناگهان وارد بهشت کوچکی شده باشد" (بنجامین، ۱۳۶۳، ۴۴). گفته های بنجامین با ویلبر از این جهت تفاوت دارد که بنجامین به "تشبیه باغ ایرانی" به "بهشت" معتقد بوده، در حالی که دونالد ویلبر تنها اعتقاد مسلمانان از بهشت را با تصویر باغ تطبیق داده است. از آنجا که تشبیه "باغ" با "بهشت" موعود مستلزم داشتن اعتقاد و یا حداقل وقوف به تصاویر قرآن و ادیان الهی است، برای بررسی این مفهوم که باغ های ایرانی تمثیلی از بهشت بوده اند، به مفاهیم و تصاویر قرآن از بهشت و تطبیق آن با عناصر باغ های ایرانی اشاره می شود.

۳-۸- باغ ایرانی تمثیلی از بهشت:

در این گفتار، دیدگاه انسان از جهان آخرت و تصور او از بهشت را بررسی و تاثیر این دیدگاه های تمثیلی منتج از سنت های فرهنگی و اعتقادات مذهبی در خلق "باغ های ایرانی" را، مورد نقد و تحلیل قرار می دهیم تا انطباق یا عدم انطباق آن در مقام مقایسه با سایر عوامل موثر در شکل گیری باغ ایرانی ارزیابی شود. بر این اساس، مطابق با کتب دینی اساطیری و ادبی که در آنها اعتقاد به بهشت و توصیف آن ارایه شده است، به دیدگاه انسان ایرانی از "بهشت" و "باغ" در دوره تاریخی مورد نظر پرداخته می شود و مهم ترین ارزش های باغ ایرانی که متأثر از این دیدگاه است، بیان می شود.

۳-۸- بهشت در دین اسلام:

قرآن کریم در حدود ۲۸۶ آیه با به کار گیری کلمات مترادف بهشت: "جنة، الجنة، جنات، جنتین، حدائق و اجزای بهشت الانهار و العیون"، به معرفی بهشت پرداخته است که ۸۱ مورد به بهشت های زمینی و ۳۰۶ مورد بهشت و دنیای آخرت را توصیف کرده است و ۴ مورد از توصیفات بهشت های زمینی و اخروی با هم مشترک می باشد. ذکر این نکته نیز لازم است که در اکثر آیاتی که باغ و بهشت دنیوی توصیف شده است به قدرت و حکمت خدای متعال و دل نبستن به جهان مادی اشاره شده است^{۱۵}.

۴-۱- مراتب تمثیل باغ ایرانی از بهشت:

راستی به چه میزان می توان "باغ ایرانی" را با "بهشت" مقایسه نمود و یا به چه میزان این برداشت ها در طراحی و شکل گیری باغ ایرانی سهیم بوده است؟ برای بررسی این امر، تحقیقی جامع در آیات و تفاسیر قرآن کریم که به توصیف بهشت پرداخته اند، صورت گرفت که به آنها اشاره می شود:

۴-۲- نام های بهشت در قرآن کریم:

درباره نام های بهشت در قرآن کریم می توان به اسامی

۴-۲-۴- جنات عدن:

کاربست های آب در باغ ایرانی، تمثیلی از تصاویر باغ های بهشتی است. زیباترین توصیف بهشت با به کاربردن ترکیب "جنات تجری من تحتها الانهار"، حاصل شده است که "نقطه عطف تصویر بهشتی" است و به معنی باغ هایی است که دائماً از زیر درختان و قصرهای آن^{۱۵} (نه زیر زمین آن)، جوی های آب جاری است که در ۴۱ جای قرآن ذکر شده است و در ۳۷ مورد آنها ترکیب لغوی "بهشت اخروی با نهرهای جاری"، به کار رفته است. باغ های ایرانی نیز از ترکیب "آب جاری" و "پوشش درخت"، واحه ای در دل طبیعت خشک ایجاد می کند که با توجه به تضاد محیط کویری و باغ، به راستی تمثیلی از مناظر با طراوت باغ های بهشتی است. در قرآن کریم نیز برای بهشت توصیف هایی ارایه شده است که مهم ترین آنها وصف نهرهای "چهارگانه بهشتی"^{۱۶} است که از زیر "غرفه های بهشتی" جاری است که اساس هندسی باغ ایرانی به صورت چهار باغ (چهار نهر) و چگونگی معماری و مسیر آب در آن می باشد. در سوره محمد آیه ۱۵، این چهار نهر با عناوین نهرهایی از آب زلال نهرهایی از شیر و نهرهایی از شراب و نهرهایی از عسل ذکر شده اند و در آرای نویسندگان ایرانی مانند "ابن بطوطه" نیز بازتابی خاص داشته است، (ابن بطوطه، ۱۳۱۷، ۲۴ و ۴۰۶) چنانچه به حدیثی از پیامبر اکرم در تفسیر سوره مذکور قرآن کریم اشاره می کند. بر این اساس می توان جریان آب در باغ و حرکت آن در چهار جهت را تمثیلی از چهار نهر بهشتی دانست که در باغ ایرانی به کار گرفته شده است.

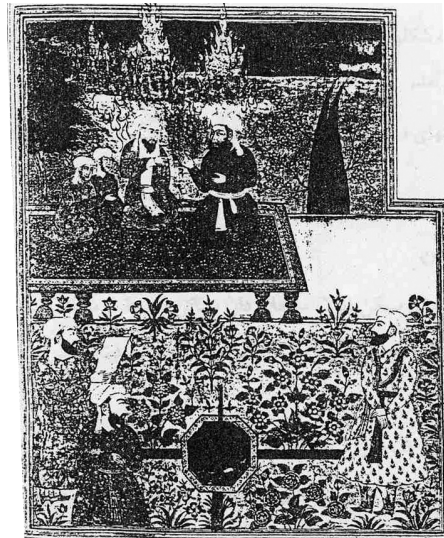
۵-۲- چشمه های بهشتی:

چشمه های آب جاری از جمله توصیف زیبایی باغ های بهشتی است که در دنیای مادی به عنوان منشا حیات و احداث باغ بهشت مادی مهم ترین اصل به شمار می رود و در قرآن کریم نیز دو بار از معجزه حضرت موسی در جاری کردن دوازده چشمه آب یاد کرده است^{۱۷}. اهمیت آب و چشمه های جاری در زندگی مادی انسان در قرآن کریم مورد توجه قرار گرفته و از آن به عنوان منشا قدرت الهی بهره گرفته شده است و تمثیلی از این ایده بهشتی به قدر محدود و ثابت به منصف ظهور رسیده است، چنانچه در باغ ایرانی آب را به درون زمین برده و از مکان هایی خاص به بیرون جاری می کرده اند^{۱۸}.

۵-۳- آبشارهای بهشتی:

آبشارهای بهشتی تصویر زیبای دیگری از باغ های بهشتی و بهشت است که در آیه ۳۰ و ۳۱ سوره واقعه به آنها اشاره شده است. این تصویر از بهشت، یادآور سایه گسترده درختان با ترنم آبشارهاست که در اکثر باغ های ایرانی مشهود است، چنانچه آب جاری در چهار باغ ها و جویبارها و جوی های کم شیب و مارپیچ به حرکت در می آمده است و از آبشارهایی که کف آنها از تخته سنگی با "تراش سینه کبکی" تشکیل می شده است، فرو می ریخته و موج های زیبا و ترنم دلنشین بهشتی را در باغ به وجود می آورده است که نمونه آن در "باغ قدمگاه نیشابور" با آبشارها و سنگ های سینه کبکی در دوره صفوی دیده می شود.

"عدن" در قرآن ۱۱ بار ذکر شده است که "جنات عدن" را جایگاه پیامبران، شهدا و صدیقین و حکمای عادل دانسته اند (الطبرسی، ۶۰-۱۳۵۰، ج ۱، ۵۵) و (الحسینی، ۱۳۶۴، ۳۷۴). همچنین آن را "وسط حقیقی بهشت" دانسته اند (کاشانی، ۱۳۴۴، ج ۵، ۱۰۷) که حصارش یاقوت سرخ است (الشریف اللاهیجی، ۱۳۶۲، ۵۹۸) و در آن کوشک ها از زر و یاقوت و باد خوش از عرش می جهد زیر، چون مشک اذفر و آنرا در کوشک ها می برد (الطبرسی، ۶۰-۱۳۵۰، ج ۴، ۹۵). بر این اساس، این تفاسیر از بهشت و باغ های بهشتی یادآور بادگیرها در مناطق کویری و انتقال باد به حوضخانه کوشک و تمثیل از این تصاویر بهشتی از زبان تفسیر قرآن است. تصویری که در نقاشی ایرانی سال ۱۶۸۶ م، در کتاب "داستان زندگی حضرت علی (ع)" ترسیم شده است، نشانگر تصویری از بهشت به صورت "چهار باغ" است. "حوضی" در وسط و "انهاری" در چهار طرف دارد و در انتهای چهار باغ، "صفه ای" بلندتر- احتمالاً تصویری تمثیلی از معنای "جنات عدن" یا "جنات فردوس" - وجود دارد که حضرت محمد (ص)، علی و حسنین (ع) بر روی آن نشسته اند (تصویر ۱). این تصویر نیز نشانگر ارایه مفهومی معنوی در شکلی مادی و "تشبیه باغ به بهشت" است که نشان از هماهنگی صورت و سیرت، قالب و محتوی و در نهایت متضمن "وحدت وجود" در تفکر اسلامی آن دوره می باشد.



تصویر ۱

۵-۵- عناصر باغ های ایرانی:

۵-۱- انهار بهشتی:

باغ های ایرانی مشحون از کاربردهای آب در قالب چشمه ها و انهار، حوض ها و فواره ها و آبشارهایی است که زیبایی باغ های ایرانی را صدچندان می کند. در قرآن کریم و تفاسیر نیز از چشمه ها و انهار و حوض های باغهای بهشتی یاد شده است که گویی به کار گیری این

بیان کرد: ۱- گیاهان گرمسیری و سردسیری ۲- گیاهان داربستی و غیر داربستی ۳- گیاهان میوه دار و غیر میوه دار ۴- گیاهان خودرو و غیر خودرو ۵- گیاهان سایه دار و غیر سایه دار ۶- گیاهان متشابه و غیر متشابه در سوره انعام آیه ۱۴ نیز به دو گونه "گیاهان داربستی" و "غیر داربستی" - "جنات معروشات" و "غیر معروشات" - اشاره شده است که تفسیر نمونه (مکارم، ۶۶-۱۳۵۳، ج ۶، ۲) بدان اشاره دارد: "باغهای معروش (باغهایی که درختانش روی داربستها قرار می گیرند) و باغهای غیر معروش (درختانی که نیاز به داربست ندارند) را آفرید". همچنین در ادامه آیه آمده است: "و النخل و الزرع مختلفا اكله و الزيتون و الرمان متشبهها و غیر متشبه". این آیه به این نکته اشارت دارد که نخل و انواع زراعت از نظر میوه و طعم و نوع کاشت متفاوت هستند^{۲۱} که در انطباق با انواع کشت های درختی خودرو و زراعی در وسط باغ های اسلامی قابل فهم است. همچنین به گوناگونی درختان با میوه های متشابه ولی در عین حال غیر متشابه از نظر طعم و خاصیت می پردازد. در این میان به برخی از درختان بهشتی اشاره می شود:

۱- طوبی:

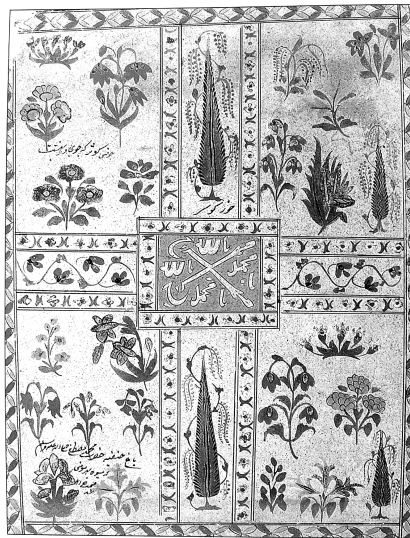
تنها در سوره رعد آیه ۲۹۰ کلمه "طوبی" به کار رفته است که از نظر لغوی به معنای فرح و چشم روشنی، زندگی پاک، دوام خیر و نظیر اینها آمده است. تفاسیر قرآن بر اساس روایتی از رسول اکرم طوبی را درختی در بهشت دانسته اند^{۲۲} که ریشه اش در منزل رسول خدا (ص) است و هیچ منزلی در بهشت نیست، مگر آن که از آن درخت یک شاخه در آن خانه کشیده باشند. در تفاسیر دیگر نیز گفته شده است که: (الطبرسی، ۶۰-۱۲۵۰، ج ۵، ۷۵) اندازه سایه آن صد سال راه است و دو چشمه از زیر آن بیرون می آید: کافور و سلسبیل.

۲- سدره المنتهی:

"سدره المنتهی" را تفاسیر قرآن درختی دانسته اند که بر بالای آسمان هفتم در اصل عرش و برگ آن بر سر عالمیان است. کثرت کاربرد عباراتی که در توصیف بهشت در قرآن آمده است، نشان از اعتقاد مردم این دوران نسبت به بهشت و تصاویر آن دارد، چنانچه مولف کتاب حبیب السیر (خواند میر، ۱۳۶۲، ج ۴، ۴۹) به تمثیل پادشاه با مقام "سدره المنتهی" به عنوان تملق و چاپلوسی پرداخته است و تعبیری مانند "سدنه"، "آن سده سدره مرتبت" را به کار برده است.

۳- سدر مخضود و طلع منضود:

در آیات ۲۸ و ۲۹ سوره واقعه از "سدر مخضود" (درختان سدر پر میوه بی خار) و "طلع منضود" (درختان موز پر برگ سایه دار که میوه شان از پایین تا بالا روی هم چیده شده) نام برده است.



تصویر ۲

۵-۴- حوض های بهشتی:

در اکثر باغ های ایرانی جوی آب از طبقه زیرین کوشک، سرچشمه می گیرد و به حوض جلوی عمارت می ریزد. کلمه "کوثر" در آیه (انا اعطیناک الکوثر- سوره کوثر آیه ۱) را به معنای نهری در بهشت و "حوض خاص رسول خدا (ص) در بهشت" یا صحرای محشر^{۲۳} دانسته اند، چنانچه نهر یا حوض کوثر چنانچه در بعضی از روایات آمده است، از زیر عرش جریان دارد و مبدا و نهایت آن بی پایان و نامحدود است و هر کس به اندازه ظرفیت ذهن صاف و پاکش از آن دریافت و بهره ای دارد (طالقانی، ۱۳۵۸، ج ۴، ۲۷۸) (تصویر ۲). حوض، آبنا و استخر در "مظهر قنات" در باغ ایرانی، احداث می شده است و پس از ظهور آب در طبقه همکف عمارت و ریختن به حوض آنجا به سمت استخر جلوی عمارت جاری می شده است. جاری شدن آب از حوض زیر عمارت و یا جلوی آن، تصویر بهشتی کوثر را به ذهن متبادر می کند، چنانچه این تمثیل "آب باغ ایرانی" از "بهشت" را مولف تاریخ عباسی (منجم، ۱۳۶۶، ۱۶۲) در وصف احداث نهر منشعب از زاینده رود در "باغ هزار جریب اصفهان" به سال ۱۰۰۶ ه.ق.، چنین به شعر در آورده است:

دوش عقلم گفت آب کوثری

در بهشتی از شبی آمد پدید^{۲۴}

۵-۵- درختان و گیاهان در باغ ایرانی:

درختان و سایه آنها از زیباترین تعبیر بهشتی است که در باغ های ایرانی نیز دیده می شود که در این میان طوبی، سدره، سدر و طلع از جمله درختان بهشتی هستند که در قرآن توصیف شده اند. بر این اساس گیاهان باغ های بهشتی که در مقام تمثیل در باغ های ایرانی نیز به وفور یافت می شود، را می توان چنین

۵-۶- غرفه ها و مساکن در باغ های بهشتی:

آیاتی از قرآن کریم دارای کلماتی با معنای مسکن و غرفه می باشند که جمعاً ۲۸ مورد می باشند. غرفه های بهشتی در قرآن به صورت مکان هایی توصیف شده اند که انهار بهشتی از زیر آنها جاری است، چنانچه کلمه غرفه به معنای خانه زیبایی است که در بلندی قرار دارد و در آن دریچه هایی به منظره باشد. همچنین برخی غرفه را نام بالاترین منزل های بهشت دانسته اند (الخرایی، ۳۷۶، ج ۱۴، ۲۹۲) و بنابراین غرفه داری هوایی لطیف تر، مناظر بهتر و محلی آرام تر برای سکونت است و تعبیر بهشت به غرفه، اشاره به این ویژگی ها دارد. غرفه های کوشک در باغ ایرانی این ویژگی های بهشتی را کسب کرده اند و با سرچشمه گرفتن جوی آب از "طبقه زیرین کوشک"، در اکثر باغ های ایرانی و جریان آن در کل باغ، این تصویر تمثیلی از بهشت کامل شده است. همین معنی با غرفه چند طبقه در آیه ۲۰ سوره زمر آمده است که اکثر تفاسیر در تفسیر این آیه از رسول اکرم حدیثی نقل کرده اند که دلالت بر ارتفاع بسیار بلند این غرفه ها چون بعد زمین نسبت به آسمان دارد (کاشانی، ۱۳۴۴، ج ۸، ۸۷) و از سویی دیگر امنیت (آیه ۳۷ سوره سبا)، به عنوان لازمه ایجاد آرامش در مسکن و غرفه های باغ بیان شده است.

۵-۷- وسعت باغ ایرانی تمثیلی از باغ های بهشتی:

آنچه از تفاسیر درباره وسعت بهشت بر می آید، نشانگر این مطلب است که بهشت به قدری وسیع است که قدرت توهم بشر هم قادر به درک آن نیست، چنانچه "جنه عرضها السموات و الارض" و بهشتی که پهنای آن پهنای آسمان و زمین است. همین معنا در روایاتی از حضرت محمد در "نهج الفصاحه" آمده است: بهشت صد درجه است و فاصله هر دو درجه مانند زمین و آسمان است و یا بهشت صد درجه است و اگر جهانیان در یکی از آن مجتمع شوند، جایشان می شود و یا بهشت صد درجه است و فاصله هر دو درجه پانصد سال راه است.^{۲۲} در تطابق این امر با باغ های ایرانی، می توان گفت که از ویژگی های اساسی باغ های ایرانی وسعت آنها است، چنانچه باغ های معروف و وسیعی در ایران وجود داشته است که از جمله می توان به "باغ هزار جریب اصفهان" اشاره کرد.^{۲۴} در کنار وسعت طبیعی باغ های ایرانی بایستی از "وسعت مجازی"

باغ های ایرانی نیز یاد کرد که نتیجه هندسه خاص و کاربردهای مولفه های طبیعی، می باشد که وجود چشم انداز اصلی به شکل مستطیل کشیده در محور طولی و کاشت درختان بلند در دو طرف این محور اصلی، نشان از تلاش برای ترسیم پرسپکتیوی دارد که باغ را طولانی تر جلوه گر می سازد.^{۲۵} شیب طبیعی اکثر باغ های ایران- "فراز و فرود باغ ایرانی" - تأثیری ویژه در قرارگیری کوشک در نقطه مرتفع باغ دارد که "تمثیلی از معنای فردوس در بهشت" می باشد.

۵-۸- دیوار و درهای بهشت:

قرآن کریم در چهار آیه به درب های بهشت اشاره کرده که در آیه ۲۲ سوره رعد به داخل شدن بهشتیان از هر درب، اشاره شده است. همچنین تفسیر اطیب البیان، هشت درب بهشت را به هشت بهشت تفسیر می کند که هر یک از بهشتیان به مقدار قابلیت خود از آنها وارد می شوند. در مجموع می توان بر اساس تفاسیر بیان کرد که باغ های بهشتی دارای دروازه و دیوار بوده اند که در باغسازی ایرانی نیز این موارد دیده می شود.

۵-۹- نام باغ های ایرانی تمثیلی از بهشت:

کلمه "فردوس" (بهشت) از لغت فارسی "پردیس" گرفته شده که خود از کلمه "پرادئزا" در زبان مادی مشتق شده است. در تشبیه باغ های ایرانی در بعد از اسلام کلمه "فردوس" با مفهوم تمثیلی "تمثیل بهشت برین" استفاده می شده که کاربردی غیر از کلمه پردیس قبل از اسلام (به معنی بوستان) داشته است. در ضمن باید بین نام های تمثیلی و واقعی باغ ها تفاوت قایل شد، هرچند که ممکن است نام واقعی باغ ها نیز نامی تمثیلی بوده باشد، اما در برخی متون ادبی و شعر و تاریخی برای توصیف باغ از نام های تمثیلی استفاده می شده است: "بهشت شاه عباس، تالار فردوس، باغ جنان، خلد برین، ثانی خلد، باغ بهشت آسای، روضه فیض انتما، صفاهان جنت نشان، روضه رضوان، فردوس برین، رشگ گلستان ارم، باغ بهشت، بساتین بهشت آیین، ریاض قدس، چهار باغ، بهشت آیین و صحن جنان"^{۲۶}، دالان بهشت، (باغ بدیع، باغ رفیع، باغ قدس) (ناظم الاطباء، ۱۳۵۵، ج ۱، ۵۱۷) و هشت بهشت^{۲۷}.

۶- نتیجه گیری:

مانند بهشت را می ساختند و پس از تخدیر طرفداران خود با مواد مخدر، ایشان در باغ هایی به هوش می آمدند و زمینه برای بهره برداری سیاسی از آنها ممکن می شد^{۲۸}.

۵- احداث مجموعه باغ ها به عنوان طرح توسعه شهر و احداث شهر نمادین اسلامی بر اساس تمثیلی از بهشت که در قرآن توصیف شده است. بر خلاف آثار گذشته ایران در ساختن قصرها و کاخ های با عظمت، مکتب معماری اصفهان که ترکیبی از معماری و باغسازی است، کمال زیبایی و عظمت را از طریق گسترش مجموعه باغ های چهار باغ در سطح به همراه کوشک های متناسب با مقیاس انسانی به دست آورده است. گسترش "باغ شهر اصفهان" در سطح خود، تمثیلی از "گسترش بهشت در سطح" است^{۲۹} که در حدیث حضرت علی در تفسیر آیه ۴۴ سوره الحجر، آمده است.

با توجه به مواردی که مطرح شد، می توان گفت: در ادوار مختلف تاریخ انسان گرایش به آن داشته است که باغ هایی احداث کند تا با تعبیری که از بهشت آخرت مطرح می شده، برابری کند. این تعبیر می تواند بر چند هدف استوار باشد:

- ۱- فراهم سازی بیشترین بهره از منافع مادی دنیای فانی و دل خوش داشتن به صورتی نمادین از بهشت.
- ۲- ایجاد عظمت و شکوه خیره کننده که نشانگر توانایی های مالکین و حکام در مقابل مردم و زمینه ساز استقرار و دوام حکومت ظالمانه ایشان بوده است.
- ۳- احداث باغ به منظور فراهم سازی همه بهره های مادی ممکن، در تقابل با بهشت آخرت بر اساس روحیات کافران مانند آنچه درباره "باغ ارم" آمد.
- ۴- تحمیق طرفداران و فداییان مطابق آنچه اسماعیلیان باغ هایی

پی نوشت ها:

- ۱ دهخدا در معنای کوشک، آورده: "خورنق"، کوشک نعمان اکبر که به عراق است، معرب خورنگه که خوردن باشد (دهخدا، ۱۳۷۷، ۱۲-۱۶۵۱۱).
- ۲ در ۱۴۷ آیه قرآن از ریشه جنن کلماتی با معنای بهشت به دست می آید که جنات (۶۸ مورد)، جنه (۱۳ مورد)، الجنه (۵۱ مورد) بیشترین تعداد را در می گیرد (انصاری، ۱۳۷۸، ۱۰۲-۱۰۳).
- ۳ "خلد" به معنای جاوید و ماندگار است که در قرآن کریم با تعبیری مانند خالدین (۲۸ مورد)، خالدون (۹ مورد)، الخلد (۲ مورد) و در مجموع ۴۱ مورد درباره "بهشت" بکار می رود (انصاری، ۱۳۷۸، صص ۱۰۸).
- ۴ E. Kaempfer
- ۵ Jean Char din
- ۶ Donald .N. Wilber
- ۷ کست (P. Cost) و دو جهانگرد دیگر روسی به این موضوع اشاره کرده اند.
- ۸ Hermann Norden
- ۹ قمشه- اواخر اسفند.
- ۱۰ در آیات ۶۰ سوره النمل و ۳۰ سوره عبس و ۶۳ سوره حج به آن اشاره شده است.
- ۱۱ تفسیر "طیب البیان" بهشتها را "هشت عدد" دانسته است: دارالسلام، جنه الخلد، فردوس، جنه الماوی، جنه العدن، دارالنعم، دارالجلال و دارالضیافه (طیب، ۱۳۶۹، ج ۹، ۳۶۴).
- ۱۲ (الکف ۱۰۷: جنات الفردوس) و (المومنون ۱۱: الفردوس).
- ۱۳ در تفسیر "روض البیان و روح الجنان" آمده: فردوس مکانی است در بهشت که وسعت آن ما فوق تصور باشد (الخرابی النیشابوری (۱۳۷۶)، ج ۱۳، ۲۵).
- ۱۴ در اکثر تفاسیر این معنی ذکر شده از جمله: مجمع البیان، گارز، منهج الصادقین و شریف لاهیجی.
- ۱۵ انهار به معنی جویهای وسیع است که بزرگتر از جدول و کوچکتر از دریا باشد و ترکیب فوق در اکثر تفاسیر به دو معنی در زیر درختان و در زیر غرفه ها و قصرهای بهشت آمده است.
- ۱۶ انهار چهار گانه بهشتی عبارتند از: نهرهای شیر، عسل، انگبین و آب زلال (مکارم، ۶۶-۱۳۵۳، ج ۲۱، ۴۳۹).
- ۱۷ البقره آیه ۶۰ و الاعراف آیه ۱۶۰.
- ۱۸ معمولا آب در باغ ایرانی به وسیله کاریز تامین می شده است و باغ در مظهر قنات واقع می شده و این امکان را فراهم می کرده است که آب از محل خاص از درون زمین بیرون آمده و جاری شود اگرچه این گونه تمهیدات به صورت بسیار متنوعی با استفاده از لوله های تنبوشه سفالی بوجود می آمده است که نمونه آن را در باغ فین کاشان می بینیم.
- ۱۹ اکثر تفاسیر این معنا را آورده اند، از جمله: تفسیر گازر (ج ۱۰، ص ۴۵۸) مواهب علیه (ج ۴، ص ۴۴۵) منهج الصادقین (ج ۱۰، ص ۳۶۲)، پرتوی از قرآن (ج ۴، ص ۲۷۷)، ترجمه تفسیر المیزان (ج ۲۰، ص ۸۵۰).
- ۲۰ برای مطالعه بیشتر، نکا: ملا جلال الدین منجم (۱۳۶۶)، "تاریخ عباسی یا روزنامه ملا جلال"، بکوشش سیف الله وحید نیا، تهران، انتشارات وحید.
- ۲۱ حتی در میان کرت باغهای ایرانی نیز مواردی از کاشت زراعی در میان درختان دیده می شود.
- ۲۲ لازم به توضیح است که تفسیر لاهیجی، طوبی را درختی دانسته است که خداوند به ید قدرت خود در بهشت غرس کرده است (الشریف، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۵۹۸).

- ۲۲ برای اطلاع بیشتر بترتیب، نگا: (پاینده، ابوالقاسم نهج الفصاحه، ص ۲۸۱، حدیث ۱۳۳۵ و ص ۱۷۵، حدیث ۸۶۷ و ص ۲۸۰، حدیث ۱۳۳۳).
 ۲۴ توماس هربرت سیاح انگلیسی نقل کرده است که دیوارهای دور این باغ (۴۸۲۸ متر) بوده است. (هنر فر ۱۳۵۴ ص ۵).
 ۲۵ در باغ کاخ الحمرا در گراندای اسپانیا که با الهام از باغ ایرانی ساخته شده است، منظره باغ و آب نماها بطور نشسته بیشترین زیبایی را دارد.
 ۲۶ تمثیل عمارت جمال الدین در شعر "سعید هروی":
 غیرت باغ خورنق رشک بستان ارم
 صورت ارژنگ مانی نسخه صحن جنان (نقل از: رفیعی مهرآبادی، ۱۳۵۲، ص ۸۷).
 ۲۷ شاعری بنای مدرسه چهار باغ را در جلوه به بهشت و در استحکام به سبع شداد تشبیه کرده است:
 چهار باغ صفاهان برنگ هشت بهشت - بنای مدرسه کرد همچو سبع شداد
 (بنقل از: هنر فر لطف الله، گنجینه آثار تاریخی اصفهان، اصفهان، انتشارات ثقفی، ۱۳۴۵، ص ۶۹۵).
 ۲۸ اسماعیلیان به بهشت و دوزخ جسمانی اعتقاد نداشتند، ولی خود معتقدند که بهشت به حقیقت عقل است (نگا: مارشال گ.س.، هاجسن - فرقه اسماعیلیه - ص ۲۲ (گفتار مترجم) الی ص سی و سه).
 ۲۹ خداوند توانا توسعه بهشت را بوسیله عرض آن و... قرار داده است. (نجفی، ۶۲-۱۳۶۴، ج ۹، ۶۳ و الطبرسی، ۶۰-۱۳۵۰، ج ۱۳، ۱۹۱).

فهرست منابع:

- آبروی، ا.ج. (۱۳۴۶)، شیراز مهد شعر و عرفان، ترجمه منوچهر کاشف، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
 ابن بطوطه (۱۳۱۷)، تحفه النظار فی غرایب اللصار و عجایب الاسفار (سفرنامه)، ترجمه محمد علی موحد، تهران.
 ابونصر هروی، قاسم بن یوسف (۱۳۵۶)، ارشاد الزراعه، باهتمام محمد مشیری، انتشارات امیر کبیر، تهران.
 اسمیت، جان، الکساندر (۱۲۷۲/۹/۷)، سمینار معماری فضای سبز چرا نه؟، دانشگاه تهران، دانشکده هنرهای زیبا.
 الحسینی، حسین بن احمد (۱۳۶۴)، تفسیر اثنی عشری، چاپ اول، ج ۸، انتشارات، میقات تهران.
 الخزایی النیشابوری (۱۳۷۶)، روض البیان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد.
 الشریف اللاهیجی، بهاء الدین (۱۳۶۳)، تفسیر شریف لاهیجی، انتشارات علمی، تهران.
 الطبرسی، ابوعلی (۶۰-۱۳۵۰)، ترجمه تفسیر مجمع البیان، فراهانی، تهران.
 انصاری، مجتبی (۱۳۶۷)، اصول طراحی معماری اسلامی سنتی، پایان نامه کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده هنر.
 انصاری، مجتبی (۱۳۷۸)، ارزشهای باغ ایرانی (صفوی - اصفهان)، رساله دکتری معماری، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
 بروجرودی، سید ابراهیم (۱۳۴۱)، تفسیر جامع، انتشارات صدر، تهران.
 بنجامین س. ج.و (۱۳۶۳)، ایران و ایرانیان (عصر ناصر الدین شاه)، ترجمه حسین کرد بچه، انتشارات جاویدان، تهران.
 بهشتیان، عباس (۱۳۴۳)، بخشی از گنجینه آثار ملی اصفهان، انجمن آثار ملی اصفهان، اصفهان.
 ترکمان، اسکندر بیگ (بی تا)، تاریخ عالم آرای عباسی، انتشارات امیر کبیر، تهران.
 خواندمیر، خواجه غیاث الدین (۱۳۶۲)، تاریخ حبیب السیر، تصحیح زیر نظر: محمد دبیر سیاقی، جلد ۴، چاپ سوم، کتابفروشی خیام، تهران.
 دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم از دوره جدید، تهران.
 رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم (۱۳۵۲)، آثار ملی اصفهان، انجمن آثار ملی، تهران.
 سولتیکف، الکسیس (۱۳۵۶)، مسافرت به ایران (زمان محمد شاه قاجار)، ترجمه محسن صبا، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
 شاردن، ژان باتیسته (۱۳۶۶)، سیاحت نامه شاردن، ترجمه محمد عباسی، ج ۴ (اصفهان)، امیر کبیر، تهران.
 طالقانی، سید محمود (۱۳۵۸)، تفسیر پرتوی از قرآن، جلد ۴، شرکت سهامی انتشار، تهران.
 طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۶۳)، تفسیر المیزان، ترجمه محمد باقر موسس همدانی، انتشارات رجا، تهران.
 طبیب، سید عبدالحسین (۱۳۶۶)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، انتشارات اسلام، تهران.
 فیثاغورس، سامیتیس (۱۳۱۴)، سیاحت نامه فیثاغورس در ایران، ترجمه یوسف اعتصامی، مطبعه مجلس، طهران.
 کاری، جملی (۱۳۴۸)، سفرنامه جملی کاری، ترجمه عباس نجوانی و عبدالعلی کارنگ، اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی.
 کاشانی، ملا فتح الله (۱۳۴۴)، نهج الصادقین، نشر اسلامیه، تهران.
 کلانتر، میرزا محمود (۱۳۶۲)، روزنامه میرزا محمود کلانتر فارس، تصحیح عباس اقبال، انتشارات سنایی - طهوری، تهران.
 کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۳)، سفرنامه کمپفر، ترجمه کیکاووس جهاندار، انتشارات خوارزمی، تهران.
 گیلانی، شیخ علی (۱۳۵۲)، تاریخ ماندن دران، به تصحیح و تحشیه منوچهر ستوده، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران.
 مکارم شیرازی، ناصر (۶۶-۱۳۵۳)، تفسیر نمونه، دار الکتاب الاسلامیه، تهران.
 منجم، ملا جلال الدین (۱۳۶۶)، تاریخ عباسی یا روزنامه ملا جلال، بکوشش سیف الله وحید نیا، انتشارات وحید، تهران.
 ناظم الاطباء (۱۳۵۵)، فرهنگ نفیسی، انتشارات کتابفروشی خیام، تهران.
 نجفی، محمد جواد (۶۴-۱۳۶۲)، تفسیر آسان، چاپ اول، ج ۱۳، کتابفروشی اسلامیه، تهران.
 نوردن، هرمان (۱۳۵۶)، زیر آسمان ایران، ترجمه سیمین بدیعی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
 نرم افزار جامع قرآن حکیم (۱۳۸۲)، مرکز تولید و پشتیبانی مرکز تحقیقات علوم قرآنی حکیم نور.
 واله اصفهانی، محمدکاظم (۱۳۷۱)، دیوان واله اصفهانی، با مقدمه و مقابله و تصحیح رضا عبداللهی، انتشارات برگ، تهران.
 ویلبر، دونالد (۱۳۴۸)، باغهای ایران و کوشکهای آن، ترجمه مهین دخت صبا، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
 هنر فر، لطف الله (۱۳۴۵)، گنجینه آثار تاریخی اصفهان، انتشارات ثقفی، اصفهان.
 هنر فر، لطف الله (۱۳۵۴)، باغ هزار جریب و کوه صفا (بهشت شاه عباس)، هنر و مردم، سال ۱۴، شماره ۱۵۷.